

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پرتل آلمان

برگردان: پویا.ش.م

مارکسیسم و دانشگاه‌ها



نقش مارکسیسم در دانشگاه‌ها نسبت به نقش دانشگاه‌ها در مارکسیسم کمی مبهم است، اما شاید با تاباندن کمی نور به وسیله بازبینی پاسخ کمتر شناخته شده مارکس به اسطوره باستانی رومی، هر دو موضوع روشن شود.

کاکوس یک موجود اساطیری رومی بود* که گاوهای نر را با عقب عقب کشاندن آن‌ها به داخل لانه اش می‌زدید، به‌طوری که ردپاها نمایان‌گر این باشد که گاوها از آن‌جا خارج شده‌اند. مارکس پس از نقل

قول لوتر در مورد این داستان، اعلام می‌کند "یک تصویر عالی، که مناسب سرمایه‌دار به صورت عمومی است، کسی که وانمود می‌کند چیزی را که وی از دیگران گرفته و به لانه خویش آورده، از خود او سرچشمه گرفته است و به علت عقب کشیدن به ظاهر این را می‌نمایاند که از لانه او بیرون آمده است". سرمایه‌داران خود را تولید کنندگان ثروت، ایجاد کنندگان شغل‌ها، اهداء کنندگان و بانیان خیر عمومی معرفی می‌کنند. رسانه (رسانه آنها) معمولاً به عنوان "صنعت" به آن‌ها اشاره می‌کند. آیا این توصیفی است صحیح از این که آن‌ها چه کسانی هستند و چه کاری انجام می‌دهند؟ آنچه به روشنی از مثال کاکوس بر می‌آید یعنی آنچه که مارکس و مارکسیست‌ها ایدئولوژی بورژوازی می‌نامند، وقایع را آن‌گونه که سعی دارد با به غلط تفسیر کردن آن وارونه جلوه دهد، تحریف نمی‌کند. همه‌گی قادر به دیدن ردپاهائی هستند که آن‌جا وجود دارند، اما اگر ما خود را محدود کنیم به چیزی که فوراً ظاهر می‌شود (موضوع مبحث علوم اجتماعی "تجربی") ما به این نتیجه خواهیم رسید که این دقیقاً در تضاد با حقیقت است. تنها اگر ما چیزی را که منجر به رویداد مورد بحث و شرایط دربرگیرنده آن شد بیازمائیم (تاریخ واقعی و نظام رویدادهای تحقق یافته‌اش) می‌توانیم به درک و چرائی این‌که واقعا چه اتفاقی رخ داده است امید داشته باشیم.

در مورد سرمایه‌داران، تنها با بررسی این‌که آن‌ها چگونه ثروتشان را از نیروی کار اضافی نسل‌های قبلی کارگران به دست آوردند (تاریخ) و چگونه قوانین، رسوم و فرهنگ ما به سمت تمایلات آن‌ها سوق داده می‌شوند (ساختار). می‌توانیم ببینیم این سرمایه‌داران نیستند که به جامعه خدمت می‌کنند بلکه این جامعه است که به آن‌ها خدمت می‌کند. گرچه بسیاری از مارکسیسم به خاطر تأکیدش بر پروسه‌های اقتصادی انتقاد یک‌جانبه کرده‌اند، اما مارکسیسم به درستی تنها تحلیل همه‌جانبه از سرمایه‌داری به عنوان یک سیستم اجتماعی است.

این تحلیل شامل یک نمای کلی از رویدادهای مختلف منفصل و اختیاری است، و به کرات این معنی حاصل می‌شود که این دقیقاً ضد چگونگی عمل‌کرد این رویدادها در داخل سرمایه‌داری می‌باشد. هنوز بعضی از مردم به پرسیدن این پرسش ادامه می‌دهند که: آیا باید مارکسیسم در دانشگاه تدریس شود؟ اگر ما به چشمانمان اجازه بدهیم که از سردرگمی ردپای باقی‌مانده از گاوهای نر کاکوس در بیابند، سپس ما قادر به دیدن سؤال صحیح خواهیم بود: آیا یک مؤسسه آموزشی که مارکسیسم تدریس نمی‌کند، شایستگی این را دارد که دانشگاه خطاب شود؟ مهمترین پژوهشگران غیر مارکسیست در هر رشته‌ای از شرکت مارکسیسم در آن، که حداقل باعث مطرح کردن سؤالات بزرگتری شد قدردانی می‌کنند و تفاسیر کلی‌نگرانه‌ای که مارکسیسم را در برابر رویکردهای ارتدوکس‌ها، بزرگ‌ترین آلترناتیو در تاریخ و اقتصاد می‌سازد به اندازه کافی تصدیق می‌کنند. (مانده تا علوم سیاسی به این مرتبه برسد) سرمایه‌داران و آنانی که مارکس "خدمت‌کاران ایدئولوژیک" نامید، همان کسانی هستند که اعتراض می‌کنند تدریس مارکسیسم باعث "تلقین فکری" می‌شود...؟ خب!! هم‌چنان که کاکوس تمایل داشت مردم را از پی بردن به این‌که چه اتفاقی در غارش می‌افتاد دور نگاه دارد. ■

منبع:

www.nyu.edu/projects/ollman

● کاکوس: راهنرن افسانه‌ی معروف که در کوه اون‌تن واقع در نزدیکی تیبر به ایتالیا مای داشت. (لغت‌نامه)

دهخدا)

برگرفته از:

رادیکال

" ارگان شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران "

شماره دوم